

پسران مدرسه مفاخر برای عید نوروز، گل قلمه می‌زنند

سین سبزه با بچه‌هاست



مکان نما

که آمد خانه مان، خیلی از آن خوشش آمد. چون نزدیک تولدش بود، همان رابه عنوان هدیه به او دادم. هنوز هم در اتاقش است.

● پناه بردن از کلاس‌های خشک به گلخانه سبزی

مدیر مدرسه توضیح می‌دهد: سه سال پیش، این فضا را برای درس علوم مهیا کردیم. دانش‌آموزان لوبیاهای کاشته شده خود را در اینجا آبیاری می‌کردند تا رشد کنند. ولی آن قدر برای حضور در این فضا اشتیاق داشتند که اقدامات متعددی در آن انجام شد تا راحت‌تر بتوانند در این فضا حضور پیدا کنند.

حین گفت‌وگویمان، زنگ تفریح دانش‌آموزان تمام می‌شود و به کلاس‌های درس می‌روند و دقایقی بعد، تعدادی از دانش‌آموزان همراه معلم زبان انگلیسی وارد گلخانه می‌شوند. معلم در فضای گلخانه به آموزش درس به دانش‌آموزان می‌پردازد.

رضوی می‌گوید: برای اینکه فضای کلاس‌های درسی خشک و خسته‌کننده نباشد، بعضی کلاس‌ها را اینجا برگزار می‌کنیم. برای مثال جشن آب بچه‌های کلاس اول، آزمایش‌های درس علوم، کارگاه‌های دروس مختلف، تمرین گروه‌سرود و موارد این‌چنینی، همه در گلخانه برگزار می‌شود.

به گفته او علاوه بر گیاهانی که خود بچه‌ها آن‌ها را می‌کارند، تعدادی گل‌دان در گلخانه نگهداری می‌شود که به مهمانان هدیه داده می‌شود. به عنوان مثال وقتی آتش‌نشانان، پلیس‌ها... به مدرسه می‌آیند، گل‌دان‌هایی که در گلخانه رشد یافته و توسط بچه‌ها آبیاری شده است، به آن‌ها اهدا می‌شود.

می‌گوید: مادرم گفته است امسال سبزه نمی‌خرد. من باید مواظب گل‌دانم باشم تا موقع عید حسابی سبزه و شاداب باشد.

● یک هدیه تولد ریشه‌دار

مجتبی جوانمرد، یک مشت لوبیا در دست دارد که می‌خواهد آن‌ها را بکارد. او می‌گوید: پارسال هم کاشتم، سبزه شد و لوبیا هم داد. امسال هم می‌خواهم دوباره بکارم. اولش سبزه است و سر سفره هفت سین می‌گذارم؛ بعدش هم که بزرگ شود، لوبیا هایش را در غذا می‌ریزیم. قلمه حمید رضا کریمی رویه زرد شدن است. او با عجله می‌خواهد یک قلمه دیگر بکارد تا به قول خودش مبادا از بقیه دوستانش عقب بماند. مدام هم از مربی‌اش می‌خواهد به نحوه قلمه زدنش نظارت کند تا این بار سبزه شود.

او می‌گوید: پارسال گل‌دانم خیلی خوشگل شده بود. پسرخاله‌ام

فهیمه شهری‌ارنشیاساقه را گرفته است تا وحید آن را قلمه بزند. مربی به آن‌ها آموزش می‌دهد که این کار باید چطور انجام شود. سینتاساقه‌ای را که چند روز پیش قلمه زده است، در دست گرفته و به دوستانش نشان می‌دهد که چطور شاداب و سرسبز است. امیر لوبیا آورده است و می‌خواهد آن‌ها را بکارد. اینجا گلخانه مدرسه مفاخر در محله گل‌دیس است: فضایی سی‌متری در حیاط مدرسه که اتفاقات سبزی در آن رقم می‌خورد و حالا با نزدیک شدن به ایام نوروز، حال و هوای بهارانه گرفته است.

● گل‌دان به جای سبزه گندم

دانش‌آموزان مدرسه مفاخر این روزها فتراز درس، دغدغه‌های سبزه و پرتراوتی دارند: آن‌ها مدام به گلخانه مدرسه می‌روند، از گل‌دان‌هایی که در گلخانه است، قلمه می‌زنند. آن‌را می‌کارند و خودشان آب می‌دهند. هر روز در زنگ تفریح از گل‌دان‌هایشان خبر می‌گیرند و چشم می‌کشند تا قد بکشد. چون قرار است همین گل‌دان‌های کوچک را برای عید نوروز به عنوان سبزه، سر سفره هفت سین به خانه‌هایشان ببرند.

علیرضا رضوی، مدیر مدرسه مفاخر، می‌گوید: چون درست کردن سبزه با گندم و در نهایت دور انداختن آن، نوعی اسراف است، تعدادی گل‌دان آورده‌ایم تا بچه‌ها از آن‌ها خودشان قلمه بزنند و گیاه سبزه و رشد یافته‌شان را به عنوان سبزه عید به خانه‌هایشان ببرند.

علیرضا شمس که دانش‌آموز پایه چهارم این مدرسه است، همین طوره که دارد گل‌دان‌ش را در دستش می‌چرخاند تا مطمئن شود مشکلی ندارد.



مریم باخدا، قهرمان مسابقات کشوری کاراته از انگیزه‌هایش می‌گوید

الگویی به نام پدر

امید محله

مطالعه چطور است؟

عاشق کتاب‌های ورزشی هستم، به خصوص کتاب‌های انگیزشی که سرگذشت ورزشکارانی را تعریف می‌کند که از صفر شروع کرده‌اند و حالا برای خودشان اسطوره‌های ورزشی هستند. با خواندن این کتاب‌ها با خودم می‌گویم اگر این‌ها توانسته‌اند به جایی برسند، من هم می‌توانم. «۱۸ سال راه رفتن روی آب»، «بازده حلقه» و «کفش باز» از جمله این کتاب‌ها هستند.

● چه چیز تو را تا این حد، مشتاق حضور در باشگاه کرده است؟

اینکه الان مربی هنر جوهای تازه وارد هستم. از زمانی که کمر بند آبی می‌بستم، مربیگری را شروع کردم. استادم، مینا نجفی، خیلی به من روحیه می‌داد و این وظیفه را به من سپرد. به همین دلیل بمب‌روحیه هستم و در باشگاه احساس خوبی دارم.

● چرا برخی افراد فکر می‌کنند ورزش کاراته برای بانوان مناسب نیست؟

چون در کاراته ضربات سنگین و مستقیم به بدن وارد می‌شود، برخی تصور می‌کنند بدن خانم‌ها تحمل این ضربات را ندارد و باعث آسیب‌های جدی به آن‌ها می‌شود.

● نظر خودت چیست؟

کاراته در خانم‌ها اعتماد به نفس ایجاد می‌کند و به رغم ظاهر خشن این ورزش، جوانمردی، ادب، نظم و احترام به بزرگ‌تر را به آن‌ها می‌آموزد.

در سبک کیوکوشین کاراته و یک بار هم سال ۱۴۰۳ در سبک کن‌شین‌کان کاراته. پنج بار هم مقام قهرمانی استان را به دست آورده‌ام که آن‌ها هم در سبک‌های متفاوت رزمی بوده‌است.

● الگوی تو در زندگی کیست؟

پدرم. او راننده جاده و ماشین‌سنگین است؛ البته ورزش کوه‌نوردی هم می‌کند و هر ماه با هم یکی دو بار به کوه می‌رویم. از او بیشتر استقامت و تلاش زیاد را آموخته‌ام.

● ارتباطات با کتاب و

رضا ریاحی آگاهی قهرمانی‌ها از جایی شروع می‌شود که هیچ‌کس فکرتش را هم نمی‌کند. از دل یک اتاق کوچک و بالشی که نقش کیسه بوکس را بازی می‌کند. مریم باخدا از همان کودکی نشان داد که قرار است مسیر متفاوتی را انتخاب کند. او از کودکی با مشت‌های کوچک اما پرتازشی‌اش رؤیاهای بزرگی را تمرین می‌کرد. حالا همان دختر پرشور محله خاتم‌الانبیاء که چهارده سال دارد، چند بار بر سکوی قهرمانی کاراته ایران و استان ایستاده است و به قول مربی و دوستانش، آینده درخشانی دارد.

● از کی فهمیدی به کاراته علاقه داری؟

از نه سالگی، همان روزهایی که بالش اتاقم را کیسه بوکس کرده بودم! (با خنده) واقعا از بچگی حس می‌کردم وقتی مشت می‌زنم یا تمرین می‌کنم، خوشحال‌تر و قوی‌تر هستم. برای همین پدر و مادرم حریفم نشدند و من را در باشگاه کاراته در بولوار توس ثبت‌نام کردند.

● تاکنون چه مقام‌هایی کسب کرده‌ای؟

دو بار قهرمان ایران شده‌ام، یک بار سال ۱۴۰۲

